

# گزارشی از کار در یک کارخانه نمونه – نسترن

نوشته یوسف کیا



برای کارفرمای ما، سقوط نسترن به وادی لمپن پروتاریا و تن فروشها، یا قرار گرفتن در زمره کسانی که عطای این زندگی فلاکت بار را به لقایش می بخشند، مهم نیست. چون او اصلاً فرصتی برای فکر کردن به این مسائل ندارد و نگرانی های بزرگتر از جمله دعوت به فلان رستوران مجلل، فلان

قرار ملاقات کاری و بهمان کافه دارد که باید به آنها رسیدگی کند. این طبقه ی کارگر است که باید با اتحادی رفیقانه، برای متوقف کردن خون آشام سرمایه، شمشیر نقره اش را که خیلی وقت است غلاف کرده برکشد و سر این دراکولا را از تنش جدا نماید و لاشه ی این دنیای کهن را رهسپار گورستان تاریخ کند و از آن فقط خاطره ای تاریک به جای گذارد.

نوشتاری که در پی می آید قبل تر قرار بود در قالب گزارش مختصری از وضعیت یکی از کارخانه های کردستان تهیه شود و شمه ای از وضعیت اسفبار کارگران را در نقطه ای هر چند کوچک برای خواننده روشن کند، اما با تاخیر در نشر آن به علل مختلف از جمله مشکلات کاری و روزمره ی نگارنده، و همچنین قطعی اینترنت و اعتراضات داخلی ایران، فرصتی فراهم آمد تا با اضافه کردن برخی موارد و کاستن برخی، نوشتار را در سه قسمت زیر ارائه دهم:

۱- توضیح نحوه ی کار در کارخانه که در این قسمت سعی شده جوانبی از نحوه ی آموزش و استخدام و ساعات کاری و ساعات استراحت و مرخصی و غیره بیان شود.

۲- گزارشی از وضعیت برخی کارگران. در این قسمت هم شرایط بغرنج زندگی روزمره برخی کارگران خاص آن کارخانه در نظر گرفته شده است.

۳- در انتها سخن کوتاه پایان گزارش ارائه خواهد شد.

اما از آنجایی که دستگاه سرکوب سرمایه به هیچ عنوان وجود کارگران کمونیست را بر نمی‌تابد و هیچگونه سرکوبی برای او محلی از اعراب ندارد ترجیح داده شده تا برای رعایت موارد امنیتی از ارائه اسامی واقعی کارگران در متن اجتناب شود. پیشاپیش به استحضار میرساند که نگارش این گزارش نه برای برانگیختن حس ترحم و نه جهت توسل به حربه‌های سانتی‌مانتالی و نه برای تخریب یک شخص سرمایه‌دار خاص و یا هر دستاویز ریاکارانه دیگری صورت می‌گیرد. بی‌شک هدف گزارشات کارگری که در نشریات خودشان پخش میشوند و باید در دسترس سایر رفقای به زنجیر کشیده شده‌ی هم‌رمز قرار گیرد، در وهله‌ی اول نقد و و عریان ساختن ساختار نابودگر سرمایه‌داری است، که اولین و آخرین هدف آن صرفاً دسترسی به سود بیشتر و بیشتر است و همانطور که آموزگار بزرگ توده‌های ستمکش به نیکی این مسئله را دریافته بود سرمایه برای رسیدن به سود بیشتر از انجام هیچ جنایتی رویگردان نیست. توضیحاتی که در مورد این کارخانه‌ی خاص داده میشود میتواند در برخی جزئیات ریز مثل ساعات کاری و نحوه‌ی مدارای طرفین کارگر و سرمایه‌دار و همچنین شیفتهای کاری، اندک تفاوتی با سایر کارخانه‌ها داشته باشند، منتها این اختلافات جزئی چیزی از اصل ثابت و تغییرناپذیر استثمار و بهره‌کشی تا آخرین حد ممکن کم نمی‌کند، و به همین دلیل ضرورت مبارزه‌ی پایان‌ناپذیر طبقاتی تا حل شدن این تضاد همچنان پابرجاست.

## ۱- نحوه کار در کارخانه

نحوه‌ی استخدام در کارخانه‌ی مورد نظر به این گونه است که هر چند ماه یکبار اطلاعیه‌ای از طریق کانالهای مجازی برای جذب نیروی کار صادر می‌کند، که به طور معمول از استقبال خوبی هم از جانب کارگران برخوردار می‌شود. معمولاً بعد از تماس برای دریافت آن کار، کارگر را برای انجام مصاحبه به دفتر کارخانه ارجاع میدهند. پس از خوش و بش و مطرح کردن چند سوال و شرح حقوق کارگری در آنجا از جمله دریافت دستمزد که در آنجا معمولاً 6 میلیون تومان است و همچنین صحبت درباره بیمه‌ی تامین اجتماعی، مسئول پذیرش یک فرم که در دو صفحه پشت و رو آماده شده را جلوی کارگر میگذارد که در آن کارگر باید مشخصات فردی و خانوادگی و همچنین سوابق بیماری و بیمه و سوابق شغلی و مدرک تحصیلی را در آن ذکر کند. آخرین صفحه‌ی فرم مزبور تعهداتی است که کارگر در صورت دریافت شغل باید به آنها پایبند باشد و در صورتی که نباشد باید تاوان اثر انگشت و امضایی که پای فرم زده را با جریمه‌های نقدی که معمولاً از ۲۰۰ هزار تومان شروع می‌شود و انتهای ندارد، پردازد. مواردی که در تعهدات نوشته میشوند و شامل جریمه‌های نقدی میشوند از این قبیل هستند: استعمال دخانیات در طول ساعات کاری تا یک نخ سیگار مجاز است، استفاده از تلفن همراه در ساعات کاری اکیداً ممنوع است، انجام هر گونه شوخی با همکاران ممنوع است، ضایعات تولید

حد مشخصی دارد که توسط مسئول پذیرش به کارگر گفته می‌شود در صورتیکه ضایعات از حد مجاز بیشتر شود پرداخت هزینه مواد اولیه که در قسمت اداری محاسبه می‌شود بر عهده‌ی کارگر می‌باشد، در صورت غفلت کارگر به هر دلیلی از انجام درست تست محصول، اگر کالای تولید شده از استانداردهای لازم برخوردار نباشد کارگر باید خسارت‌های لازم را به کارخانه بازگرداند.

مدت آموزشی که برای کارگر در نظر گرفته شده معمولاً ده تا پانزده روز است که هیچگونه حقوقی اعم از دستمزد و بیمه و پاداش در این مدت در نظر گرفته نمی‌شود. پس از گذشت مدت آموزشی دو امتحان تئوریک (که به صورت شفاهی گرفته می‌شود) و عملی از نحوه‌ی کارکرد ماشین تولید از کارگر گرفته می‌شود در صورتیکه کارگر در امتحان‌ها قبول نشود بنا به تشخیص مدیر کارخانه یا اخراج می‌شود یا مجدداً تجدید دوره می‌شود (در این فاصله در صورتی که کارگر مورد نظر به هر دلیلی حتی نپسندیدن قیافه نزد مدیران، یا نحوه‌ی تعامل و برخوردش که باید به دل مدیر کارخانه بنشیند، مورد پسند واقع نشود، با هماهنگی‌هایی لازم، طوری از کارگر امتحان گرفته می‌شود که اگر هشت دست و پا و سه مغز هم داشته باشد رد شود و پس از آن اخراج)

در صورت قبولی هم به کارگر اعلام می‌شود که با ارائه مدارک شناسایی و تحصیلی (برای آقایان ارائه کارت پایان خدمت یا معافیت و برای بانوان رضایت‌نامه‌ی رسمی والدین یا شوهر) و سفته‌ی بانکی تا مبلغ ۶۰ میلیون تومان به دفتر مدیریت کارخانه برای انجام استخدام و دریافت لباس فرم کارخانه مراجعه کند.

ساعات کاری کارخانه که در سه شیفت دوازده ساعته تنظیم شده به گونه‌ای است که ۱۲ ساعت کار مداوم و ۲۴ ساعت استراحت در نظر گرفته شده که به صورت چرخشی یک جلسه در روز و یک جلسه هم در شب است. با چشم پوشی از مسافتی که هر روز باید برای رسیدن به نقطه‌ی مشخص سرویس رفت و آمد کارخانه و از آنجا به کارخانه و دوباره از کارخانه به همان نقطه و دوباره به منزل طی شود، ساعات مفید کار ۵۶ ساعت در هفته است. لازم به ذکر است که در این مدت هیچ زمانی به نهار یا شام یا استراحت ساعتی و حتی دقیقه‌ای کارگران اختصاص داده نشده، و کارگر باید برای صرف نهار یا شام با یکی از رفقای خود هماهنگ شود تا وظایف ضروری او را انجام دهد تا او غذایش را به سریعترین شکل ممکن (که معمولاً ۱۵ دقیقه بیشتر هم نباید طول بکشد) بخورد و برگردد و کارهای تلنبار شده‌اش را انجام دهد و بعداً این یکی به جای دیگری بایستد و به این ترتیب همگی توانسته باشند یک وعده‌ی غذایی را صرف کرده باشند. حجم فشرده کار در کارخانه به گونه‌ای است که کارگر در تمام طول ساعات کاری باید با صرف بیش از توان خود کار کند و اطلاعات لازم از تست و وزن و میزان بازدهی محصول را به صورت کاملاً

دقیق یادداشت کند. چون اگر به هر دلیلی حال سهواً یا عمدتاً چنین نباشد کارگر توییح و جریمه میشود. علیرغم اینکه حجم فشرده کار امان و استراحت و تنفس را از کارگر میبرد اگر در این بین کارگری پیدا شود که از هوش و قدرت بدنی و چابکی خاصی هم برخوردار باشد و بتواند وظایف کاری خود را طوری انجام دهد که فرصت کشیدن سیگار یا هر چیز دیگری پیدا کند دوربین‌های مداربسته که پیوسته توسط افراد امین رئیس کارخانه کنترل می‌شوند در تمامی مکان‌ها به جز داخل توالت ناظر بر اعمال او هستند و در اولین ساعات اداری تنبیهات لازم اعمال می‌شود.

محصولات تولیدی کارگر که پس از پایان شیفت به انبار منتقل میشوند در صورت وجود هر گونه خلل یا نقص، بر مشکلات بی‌پایانی که روی دوش کارگر در محیط کار سنگینی میکنند می‌افزایند. یعنی پس از کشف خلل از طرف عوامل کنترل استاندارد کالا، با کارگر مربوطه تماس گرفته می‌شود و به کارخانه احضار میشود. پس از طی کردن مراحل محاکمه، از طرف مدیر یا سرکارگر یا عوامل کنترل، اگر مشکل قابل حل شدن و برطرف کردن باشد که کارگر باید آنرا در شیفتی غیر از شیفت کاری خودش برطرف کند. و از آنجا که حجم کاری که خودش در ساعات کاری اش باید انجام دهد زیاد است، فرصت رفع مشکل محصولات سابق را به او نمیدهد. و جریمه‌ی نقدی را باید به علت سهل‌انگاری در انجام وظایف محوله که از حقوقش کسر میشود پردازد. و در صورتی هم که مشکل قابل برطرف شدن نباشد کارگر باید خسارات لازم را تا ریال آخر به کارخانه پردازد و اگر هم خسارات بسیار زیاد باشد طی یک جلسه با حضور مدیر و رئیس و... میزان بدهی را برای کارگر قسط بندی می‌کنند.

تأثیراتی که تمام مصائب و مشکلات و حجم فشرده‌ی کار و استرس بیش از حد عوامل کنترل - که یکسره به کارگر می‌تازند و از ابراز هیچگونه بی‌احترامی و تحقیری به او رویگردان نیستند - به جا می‌گذارد، و عوارضی که مراقبت لحظه به لحظه از محل کار کارگر و محصول در حال تولید و همچنین خود وسیله‌ی تولید بر کارگر ایجاد می‌کند و امان را از کارگر در طول دوازده ساعت کار بدون وقفه می‌برد، و همچنین فشاری که به خاطر حجم فشرده کار و برهم ریختن ساعات خواب و استراحت و صرف غذا و تخریب شخصیتی کارگر از جانب عوامل کنترل، بر جان و روح کارگر وارد می‌شود، بر نحوه‌ی رفتار کارگر در بیرون از زندان سرمایه، چه با خانواده و چه با جامعه تأثیر می‌گذارد. تولید این کارخانه هر چه باشد، یکی از کارهایش دباغی کارگران است.

## ۲- نسترن

با در نظر گرفتن تمامی شرایطی که بیان شد، ما سعی میکنیم تا در چند سطر همراه یکی از کارگران زن آنجا، نسترن، باشیم تا ببینیم که زندگی او چگونه میگذرد. نسترن در طول چند سال اخیر پس از حدودا دوازده سال زندگی مشترک که حاصلش سه فرزند بود به دلایل متعددی از جمله اعتیاد همسر مجبور به پایان زندگی مشترکش شد و ناگزیر با بازگشت به منزل پدری اش، اما این بار با سه بچه قد و نیم قد وارد مسیر تازه ای شد که یکی از ایستگاه های این مسیر پر فراز و نشیب کارخانه ی مزبور است. از آنجایی که پدر نسترن بازنشسته بیمه ی تامین اجتماعی است و حقوقش کفاف خودشان را هم نمیدهد چه رسد به این مهمان های ناخوانده، نسترن با اصرار و تمنا از طریق یکی از آشنایان با کارخانه تماس گرفته و جهت طی مراحل دباغی فوق به آنجا احضار میشود و پس از چند روز جهت طی کردن دوره ی آموزشی، راس ساعت 6 صبح به نقطه ی مشخص سرویس رفت و آمد کارخانه فراخوانده می شود. جایی که اگر تنها سه دقیقه تاخیر کند سرویس منتظر نخواهد ماند، زیرا دباغ خانه هدر رفت لحظات ارزشمند زمان را که حامل ذرات گرانهای سود هستند، بر نمی تابد. نسترن ما از آنجاییکه در حاشیه ی شهر در منزل پدری سکنی گزیده، باید برای رسیدن به سرویس، یک ساعت زودتر یعنی ساعت پنج راه بیفتد تا موفق شود که به قرار ملاقات برسد. البته اگر در مسیر هم به حیوانات ولگرد و کارتون خوابها و مسخ شدگانی برخورد، که لابلای چرخ دنده های سرمایه منهدم و از جامعه به بیرون پرت شده اند. کسانی که انتفاعی از اقتصاد ندارند و معمولا در حاشیه ی شهرها هم به وفور یافت میشوند. نسترن وقتی وارد کارخانه میشود توسط یکی از کارگران قدیمی مراحل آموزش را فرا می گیرد. اما از آنجایی که او در تمام طول عمرش کاری به جز آشپزی و بچه داری و کارهای معمول خانه داری انجام نداده و تنها فلاخن احتیاج و نیاز فوری برای بقا، او را به اینجا پرتاب کرده، و همچنین به علت دغدغه های زندگی شخصی اش، نمیتواند مثل سایر کارگران، آن کالای مناسب یعنی نیروی کار خود را به نحوی بایسته ارائه کند، و برای همین با خواهش و التماس زیاد و تضمین اینکه حتما خوب خواهم شد و رضایت شما را جلب خواهم کرد پس از گذشت حدود دو ماه و با کمک برخی از رفقای کارگرش بالاخره راه میافتد و شروع به کار میکند و از طرف هیئت مدیره تصمیم گرفته می شود که به استخدام دربیاید و بعد از پایان مراحل استخدام با کسر حقوق دو دوره ی آموزشی، مابقی حقوق را ماه آینده همراه با این بیست روز کاری باقی مانده از دو ماه حضورش در کارخانه، به حسابش واریز کنند و او هم با خوشحالی و رضایت از اینکه بالاخره کاری پیدا کرده مراتب تشکر و قدردانی خود را به عمل می آورد. اما این خوشحالی دیری نپائید که یک روز نسترن با یک قلاده از عوامل اجرایی کارخانه به دلیل اینکه او را دست و پا چلفتی و اُسکل خطاب کرده و اینکه حتما در خانه ی شوهرت هم

همینطور بوده‌ای که کارت به طلاق کشیده درگیر شد و کاسه‌ی صبر نسترن لبریز شد و ناچاراً به عامل اجرایی گفت که زندگی شخصی من به توریستی نداره و بهتره که احترام خودتان را نگهدارید؛ از آن لحظه به بعد کالاهای تولیدی نسترن در طول چند روز مورد مذاقه قرار داده شد و از میان تمامی محصولات تولیدی چند روزه‌ی نسترن شش کالا را که مشکلات بسته‌بندی و یا ظاهری و یا کیفی داشتند را طی چند گزارش پی‌درپی به استحضار مدیر بخش تولید رساندند تا عزم او را جزم کنند که از نسترن باید امتحان مجدد گرفته شود، زیرا آنطور که معلوم است ایشان هنوز هم آموزشهای لازم را ندیده‌اند. مدیر هم در جلسه‌ی بعدی کاری، امتحان نسترن را دقیقاً به همان عامل اجرایی سپرد که با او درگیر شده بود. در اینجا بود که عامل اجرایی حساب او را با به هم ریختن کامل دستگاه تولید و پیچیده کردن بیش از حد امتحان کف دستش گذاشت و در برگه‌ی گزارش نوشت که ایشان صلاحیت لازم برای کنترل دستگاه تولیدی را ندارند و همین امر زمینه را برای اخراج او فراهم کرد و همانطور هم شد.

وقتی که نسترن با بغض داشت با دو سه نفر از دوستانش خداحافظی میکرد چند تا از رفقای کارگر بعد از پایان شیفت کاری پیش مدیر رفتند و وضعیت بخرنج زندگی او را برای مدیر کارخانه شرح دادند. مدیر کارخانه با گفتن این جمله شکیل هر گونه سوال و شبهه‌ای در مورد مسائل وجدانی و ترحم و فلان و بهمان را که مغز کارگران دیگر را کاملاً به خود مشغول کرده بود پاسخ داد: ((اینجا که کمیته‌ی امداد امام نیست. اینجا در ازای کار پول دریافت میشود نه در ازای ترحم و دلسوزی. شما هم اگر خیلی دلتان برایش میسوزد، میتوانید ماهانه بخشی از حقوقتان را روی هم جمع کنید و برایش بفرستید. الان هم اگر صحبتی نمانده من کارهای خیلی مهم تری دارم که باید به آنان رسیدگی کنم، به سلامت!!)). تا زمانی که این گزارش نوشته میشود با پرس و جو در وضعیت نسترن توسط دو نفر از کارگران کارخانه، اینطور معلوم است که نسترن همچنان بیکار است و دنبال این اطلاعیه و آن اطلاعیه میرود تا شاید کاری پیدا کند ولی پیدا کردن کار برای بیهوای حدوداً 35 ساله که آثار رنج و مشقت در تمام ظاهر و باطن او داد میزند بسیار مشکل است.

### ۳- کوتاه سخن

وضعیتی که شرحش برای خواننده آمد فقط خاص شخص نسترن یا شخص فلان سرمایه‌دار نیست و نباید هم باشد. این وضعیت عریان وقایعی است که در پروسه‌ی مداوم تولید سرمایه‌داری، در هر نقطه و هر روز و هر لحظه، حال در قالب فرم‌ها و اشخاصی دیگر یا نقاطی دیگر روی میدهد. این شیوه تولید سرمایه‌داری است که انهدام و نابودی را به عنوان اندامی جدایی‌ناپذیر از جرثومه‌اش یدک می‌گشدد. تنها سوالی که هر لحظه در برابر سرمایه‌مطرح می‌شود، این است که سود بیشتر کجاست؟

در قسمت دوم گزارش که سرمایه‌دار ما گفت اینجا که کمیته‌ی امداد نیست حق با او بود چون او نمی‌تواند در اینجا نماینده‌ی انسانیت و ترحم باشد. انتظار بخشش و ترحم و دلسوزی از سرمایه‌دار هم انتظاری است بیهوده که رفقای نسترن تنها از سر ناچاری به آن رو آوردند. انسانیت او پشت دروازه‌های کارخانه جا مانده و شیئیت سرمایه‌دار او را گرفته است و چشمداشت مدارا از او دقیقاً مانند انتظار داشتن از آب است که گفته شود لطفاً خیس نباش یا ملتمسانه رو به خورشید کرد و گفت که لطفاً سرد بتاب! برای کارفرمای ما، سقوط نسترن به وادی لمپن پرولتاریا و تن فروشها، یا قرار گرفتن در زمره‌ی کسانی که عطای این زندگی فلاکت بار را به لقایش می‌بخشند، مهم نیست. چون او اصلاً فرصتی برای فکر کردن به این مسائل ندارد و نگرانی‌های بزرگتر از جمله دعوت به فلان رستوران مجلل، فلان قرار ملاقات کاری و بهمان کافه دارد که باید به آنها رسیدگی کند. این طبقه‌ی کارگر است که باید با اتحادی رفیقانه، برای متوقف کردن خون آشام سرمایه، شمشیر نقره‌اش را که خیلی وقت است غلاف کرده برکشد و سر این دراکولا را از تنش جدا نماید و لاشه‌ی این دنیای کهن را رهسپار گورستان تاریخ کند و از آن فقط خاطره‌ای تاریک به جای گذارد.

با اراده‌های رفیقانه،

یوسف کیا

پنج شنبه، ۰۷ مهر ۱۴۰۱

لینک اصل مقاله

<https://shorturl.at/9SR1s>

سازمان تدارک کمونیستی

[tadarok@yandex.com](mailto:tadarok@yandex.com)

آدرس کانال تلگرام تدارک کمونیستی [t.me/tadarok](https://t.me/tadarok)

کانال [https://www.youtube.com/channel/UCzqidfOxa\\_iFy8OH5ojATiw](https://www.youtube.com/channel/UCzqidfOxa_iFy8OH5ojATiw)

یوتیوب

کانال بیتچات <https://www.bitchute.com/channel/tadarok/>